

(پ) مثال:

- دانشجویی کتاب درسی خود را مطالعه می کند و در پی آن:
- اولاً ➡ به سؤالات امتحانی پاسخ می دهد = ارادی دانش آموز
- ثانیاً ➡ استاد، متناسب با تلاش این دانشجو به او نمره می دهد ➡ ارادی استاد.
- فردی سلام می کند. پاسخ دادن یا پاسخ ندادن او پیامدهای ارادی کنش او محسوب می شود که به اراده جواب دهنده سلام وابسته است.
- وقتی شما پنجره ها را باز می کنید، هوای کلاس عوض می شود، فردی که وضو می گیرد، دست و صورتش پاکیزه می شود ➡ اثرات وضو: نظافت جسم - نشاط روح - نزدیکی به خداوند

* پیامدهای ارادی کنش ➡ اگر افراد آن ها را اراده کند، انجام می شوند و اگر آن ها را نخواهد و اراده نکند، انجام نمی گیرند.

- معمولاً انسان ها کنش های خود را با توجه به پیامدهای ➡ «ارادی» و «غیرارادی» آن ها انجام می دهند و از انجام برخی کنش ها به دلیل پیامدهای نامطلوبشان خودداری می کنند.

*** بخوانیم و بدانیم:**

- نقل قول از پیامبر (ص):

فردی با اصرار از رسول اکرم (ص) پندی خواست، پیامبر به او فرمود: اگر بگویم به کار می بندی؟ آن فرد پاسخ داد: بله یا رسول الله. پیامبر سه بار همین سؤال را از او پرسید و از او قول گرفت و توجه او را به مطلبی که می خواست بگوید، جلب کرد، سپس به او فرمود:

(ب) اجتماعی

- (۱) نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می‌شود.
- (۲) کنش اجتماعی ← خُردترین پدیده اجتماعی است.
- (۳) فقط در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی‌گیرد.
- (۴) مثال: وقتی راننده‌ای پشت چراغ قرمز می‌ایستد، مقرراتی را رعایت می‌کند که مورد قبول دیگران است، به همین سبب کنش او اجتماعی است.
- (۵) رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه‌شب و به دور از چشم دیگران و حتی دوربین‌های مخفی نیز یک کنش اجتماعی است.
- (۶) ابن‌سینا در حال خواندن یکی از کتاب‌های افلاطون ...

- برای شناخت عمیق‌تر کنش اجتماعی، لازم است کمی بیشتر به واژه «دیگران» دقت کنید.
 - «دیگران» ← یعنی کسانی که کنشگران با توجه به آن‌ها دست به کنش می‌زنند، متفاوت‌اند.

- انواع دیگران:

- غریبه / آشنا
- دوست / دشمن
- گذشتگان / معاصران / آیندگان
- مؤمن / کافر / منافق

* کنشی که ناظر به هر کدام از مثال‌های بالا صورت می‌گیرد، آداب و قواعد خاصی می‌خواهد.

- کنش‌های ما در ارتباط با چه کسانی صورت می‌گیرد؟

- ۱- در ارتباط با دیگران
- ۲- در ارتباط با خودمان
- ۳- در ارتباط با خلقت
- ۴- در ارتباط با خداوند



- جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد، فرهنگ نیز بدون جامعه پدید نمی‌آید.

- جامعه و فرهنگ را می‌توان به **← جسم و جان تشبیه کرد:**

جامعه **←** جسم و کالبد

فرهنگ **←** روح و جان

- جوامع مختلف **←** شیوه‌های متفاوتی برای زندگی دارند و دلیل تفاوت آن‌ها این است که **←** فرهنگ «آموختنی» است و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

- به همین دلیل فرهنگ را **←** آگاهی و شناخت «مشترک و عمومی» نیز می‌نامند.

- در یک جامعه نیز شیوه زندگی مردم در همه مناطق **←** یکسان نیست.

- «فرهنگ» **←** از طریق: وراثت (ژن‌ها) از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شوند.

- هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی فرو می‌ریزد یا به جهان اجتماعی دیگر تبدیل می‌شود.

ویژه امتحان نهایی

فرهنگ حق ← بخش‌هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان

باشد: مثال: عقیده به توحید - وفای به عهد ...

فرهنگ باطل ← بخش‌هایی که از نظر علمی قابل دفاع نباشند و بر اساس

خرافات شکل گرفته باشد. مثال: شرک - ظلم - بی عدالتی ...

* حق یا باطل بودن هر بخش از فرهنگ با ← علم متناسب با همان بخش شناخته می‌شود. مثال: علم تجربی توان دلوری درباره فون و روش‌های اجرایی را دارند. (درست یا نادرست بودن شیوه مَدلوی بیماران را با روش‌های تجربی می‌توان شناخت).

* «عقل و وحی» ← دو ابزار مهم شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند.

* حق و باطل بودن عقاید و ارزش‌ها را ← نمی‌توان با روش‌ها و علوم تجربی شناخت.

پیش از انقلاب ← یک آرمان بود.

پس از انقلاب ← به واقعیت تبدیل شد.

استقلال سیاسی در ایران

* حق یا باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌ها بر اساس ← آگاهی یا جهل و توجه یا بی‌توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آن‌ها تعیین نمی‌شود.

* جوامع مختلف با ← «ایمان به حق» حقیقت را به فرهنگ آرمانی خود وارد می‌کنند. و با عمل کردن بر اساس این عقاید و ارزش‌ها، آن‌ها را به فرهنگ واقعی‌شان وارد می‌نمایند.

* «حقایق» ← ثابت‌اند ولی از جهت وارد شدن به فرهنگ آرمانی واقعی، تغییرپذیرند. یعنی برای جوامع امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد.

- آیا هویت‌مان صرفاً اجتماعی است؟ بخشی بله / بخشی خیر. ۱- فرد بدون ارتباط با دیگران یا عضویت در گروه‌های اجتماعی نمی‌تواند برخی ویژگی‌ها را داشته باشد. مثلاً ما تنها با عضویت در جامعه ایران، ایرانی محسوب می‌شویم ← = اجتماعی. ۲- ویژگی‌هایی که ممکن است از فردی به فرد دیگر تغییر کند. مانند: زنگی یا تنبلی / صبوری یا زودرنجی ← = فردی.	فردی و اجتماعی
- آیا هویت‌مان صرفاً آگاهانه است؟ بخشی بله / بخشی خیر. ۱- بخشی از هویت‌مان را می‌شناسیم یا دیگران به آن پی می‌برند و برایمان بازگو می‌کنند ← = آگاهانه ۲- بخشی از هویت‌مان را نمی‌شناسیم ← = پنهان	آگاهانه و پنهان

- گاهی ما درباره ویژگی‌هایی از خود که به آن واقف نیستیم:

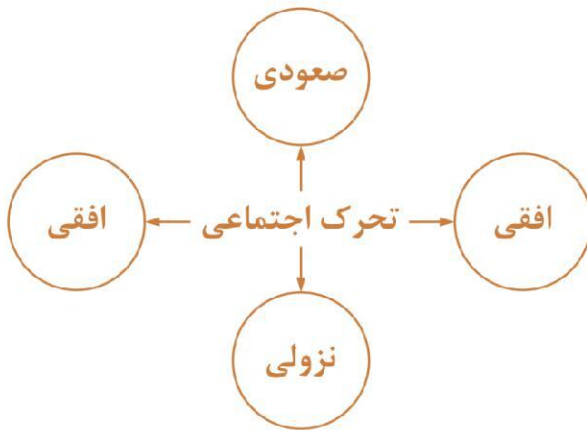
- ۱- تأمل می‌کنیم + درباره آن‌ها می‌اندیشیم.
- ۲- از دیگران کمک می‌گیریم + از والدین و دوستان نزد مشاوران، روان‌شناسان و روان‌کاوان می‌رویم.
- کسانی که درباره ابعاد اجتماعی هویت انسان بحث می‌کنند ← جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان.
- کسانی که از دیرباز درباره ابعاد الهی و فطری هویت فردی و اجتماعی انسان، همچنین درباره غفلت و فراموشی انسان‌ها از خویش‌شن سخن گفته‌اند ← پیامبران و اولیای الهی.

* بخوانیم و بدانیم:

- ← گفته‌اند که یوسف را دو چیز بود بر کمال: یکی حُسن خلقت (جمال و زیبایی) و دیگری حُسن سیرت (علم و معرفت).
- خداوند تقدیر چنان کرد که جمال وی سبب بلا گشت و علم وی سبب نجات تا عالمیان بدانند که ← علم نیکو به از صورت نیکو.

(رشیدالدین میبدی)

* مفهوم ← جایگاه رفیع‌تر ویژگی‌های اکتسابی به نسبت ویژگی‌های انتسابی.

***انواع تحرک اجتماعی:**

- بهترین نوع تحرک است.

۱- صعودی

- از مرتبه پایین به بالا صورت می‌گیرد.

- مثال: کارمند یک اداره وقتی مدیر بخشی از آن اداره می‌شود.

- بدترین نوع تحرک است.

۲- نزولی

- از مرتبه بالا به پایین صورت می‌گیرد.

- مثال: مدیر اداره وقتی از مدیریت عزل می‌شود و به صورت کارمند عادی به کار

خود ادامه می‌دهد.

- تغییرات در یک رتبه است.

۳- افقی

- این نوع تحرک خنثی است: یعنی تغییر خاصی در جایگاه فرد ایجاد نمی‌کند.

- مثال: کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر منتقل می‌شود.

- نکاتی درباره ۳ نوع تحرک نامبرده شده:

۱- در همه کشورها رتبه‌بندی مشاغل وجود دارد ولی این رتبه‌بندی در همه جا یکسان نیست.

۲- برخی مشاغل در بعضی کشورها اهمیت بیشتری دارند و در بعضی از کشورها کم اهمیت‌ترند.

۳- علاوه بر این باید به یاد داشته باشیم که موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آنها نیست بلکه به عوامل دیگری مانند: علم، ایمان، تقوا، هنر، مهارت و احترام نیز بستگی دارد.

اما همیشه این‌گونه نیست ...

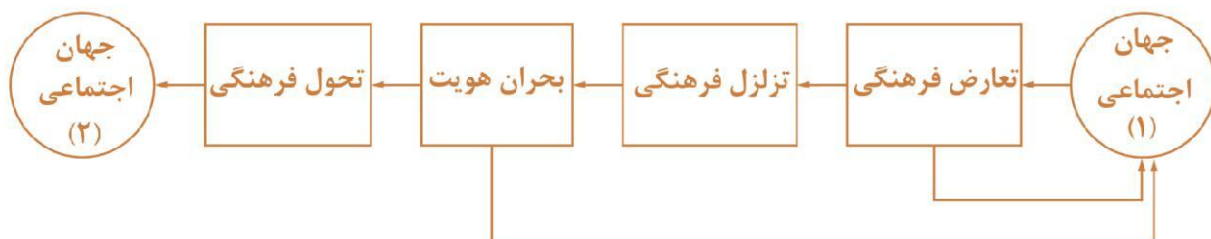
* گاهی: تغییرات هویتی افراد مطابق عقاید و ارزش‌های جامعه نیست و شیوه‌هایی از زندگی را به دنبال می‌آورد که با عقاید و ارزش‌های جامعه سازگار است.

این وضعیت ⇐ «اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی» ⇐ فراوانی به دنبال دارد.

- اگر این وضعیت، یعنی: شیوه ناسازگار با عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی ادامه پیدا کند، عقاید و ارزش‌هایی که «هویت اجتماعی» جامعه را می‌سازند، مورد تردید قرار می‌گیرند و ثبات خود را در زندگی مردم از دست می‌دهند.

- در نتیجه تداوم چنین وضعیتی جامعه ⇐ دیگر نمی‌تواند از عقاید و ارزش‌هایش دفاع کند و آن‌ها را حفظ نماید. در این صورت راه برای ⇐ «تحول هویت فرهنگی» جامعه باز می‌شود و جامعه به ⇐ جامعه‌ای دیگر تبدیل می‌گردد، در این صورت هویت آن ⇐ متحول می‌شود.

* مراحل فوق در جامعه‌شناسی به ترتیب ⇐ ۱- تعارض فرهنگی ۲- تزلزل فرهنگی ۳- بحران هویت فرهنگی ۴- تحول فرهنگی نامیده می‌شود:



* انواع تحولات فرهنگی:

الف) مثبت ⇐ اگر فرهنگی که دچار تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است.

- مثال ⇐ تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی.

ب) منفی ⇐ اما اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است.

- مثال ⇐ تحول جامعه نبوی به جامعه اموی، تحول فرهنگی منفی است.

سؤالات امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۰

۱. در عبارات زیر موارد صحیح و غلط را مشخص کنید:

- الف) فرصت‌ها و محدودیت‌های جامعه به یکدیگر وابسته نیستند و بدون یکدیگر محقق می‌شوند.
- ب) خانواده، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌های فرد با جامعه‌ای که در آن متولد می‌شود را فراهم می‌کند.
- ج) ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفی افراد جامعه یکی از علل درونی تحولات فرهنگی است.
- د) نظام سیاسی اگر به ارزش‌های فرهنگی جامعه وفادار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود، به بسط و توسعه فرهنگ کمک می‌کند.
- ه) شناخت فرهنگ، پذیرش و عمل به آن صرفاً از عهده افراد و اعضای جامعه برمی‌آید.

۲. جاهای خالی را با عبارات مناسب پر کنید:

- الف) یک انسان با تقوا جهانی را تغییر می‌دهد. این جمله نشانگر رابطه هویت بر هویت اجتماعی است.
- ب) افراد در بدو تولد، هویت اجتماعی خود را به صورت انفعالی می‌پذیرند.
- ج) جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود به قلب تپنده تبدیل شد.
- د) کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از بیشتری برخوردارند.

۳. سؤالات چهار گزینه ای:

- الف) کدام گزینه به تفاوت ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای اجتماعی اشاره دارد؟
- ۱- هنجارها از جنس هدف و مقصود هستند و ارزش‌ها از جنس وسیله و راه رسیدن به اهداف
 - ۲- ارزش‌ها شیوه انجام کنش‌های اجتماعی هستند و هنجارها پدیده‌های مطلوب که مورد توجه و پذیرش اند.
 - ۳- ارزش‌ها از جنس هدف و مقصود هستند و هنجارها از جنس وسیله و راه رسیدن به ارزش‌ها
 - ۴- هنجارها و ارزش‌ها از طریق کنش اجتماعی تحقق می‌یابند اما راه رسیدن به اهداف نیستند.

۵. هر یک از تعاریف ستون اول به کدام یک از مفاهیم ستون دوم اشاره دارد؟ (۱ مورد اضافی است)

تعاریف	مفاهیم
الف) شیوه زندگی گروهی از انسان‌ها که با یکدیگر زندگی می‌کنند.	۱- فرهنگ
ب) آداب و رسوم عروسی اقوام مختلف	۲- فرهنگ واقعی
ج) آن بخش از فرهنگ که مردم به آن عمل می‌کنند.	۳- خرده فرهنگ موافق
د) آن بخش از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد.	۴- فرهنگ حق
	۵- فرهنگ آرمانی

سؤالات تشریحی

۶. چگونه جوامع مختلف حقیقت را به فرهنگ آرمانی و واقعی خود وارد می‌کنند؟

۷. نگاه دنیوی فرهنگ جدید غرب نسبت به طبیعت و بدن آدمی را بنویسید.

۸. روش‌های پیشگیری از کجروی‌های اجتماعی را نام ببرید.

۹. پیامدهای خودباختگی فرهنگی را بنویسید.

۱۰. انقلاب اسلامی چه تأثیری بر جوامع اسلامی داشته است؟

۱۱. نظام‌های سیاسی بر اساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم گیرنده به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ توضیح دهید.

۱۲. چرا رفاه حاصل از اقتصاد نفتی پایدار نیست؟